روزنامه سرآمد اقتصاد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فیروز اسماعیلی نژاد
قائم مقام مدیر مسئول: امید عباسی
سردبیر: شورای سردبیری
دبیر تحریریه: سعید قلیچی
دبیر عکس: اصغر بشارتی
طرح و کاریکاتور: فریبا عزیزی

چاپ: صمیم
توزیع: موسسه نشریات جراری
تلفن دفتر مرکزی: ۸۸۷۶۹۲۲۷-۰۲۱
تلفن دفترشهرستان ها: ۸۶۰۴۷۵۹۶ -۰۲۱
سازمان آگهی ها: ۰۹۱۹۸۵۴۳۹۹۶
پست الکترونیکی: Eghtesadsaramad@gmail.com

نشانی سایت: eghtesadsaramad.ir
عضو انجمن روزنامه های غیردولتی
نشانی دفتر مرکزی: تهران- خیابان سهروردی شمالی مابین هویزه و بهشتی - پلاک ۴۵۶ طبقه سوم - واحد ۳

چهارشنبه - ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۵
سال دوازدهم - شماره ۲۴۷۳

روزنه

تدوین چارچوب اولیه طرح مرمت پل‌های آسیب‌دیده راه‌آهن

مدیرکل مهندسی و نظارت تاسیسات زیربنایی راه‌آهن از بازدید میدانی جمعی از استادان برجسته دانشگاهی و متخصصان حوزه‌های سازه و مرمت از پل‌های آسیب‌دیده راه‌آهن در جنگ رمضان و برگزاری جلسه هم‌اندیشی فنی برای بررسی راهکارهای بازسازی و مرمت خبر داد.

به گزارش اقتصادسرآمد، وحید علی‌قارداشی با اشاره به اهمیت بازسازی اصولی و پایدار سازه‌های ریلی گفت: با عنایت به لزوم بررسی تخصصی روند بازسازی و مرمت پل‌های آسیب‌دیده راه‌آهن در جنگ رمضان، بازدید میدانی جامعی از پل‌های آسیب‌دیده در چند بلاک مهم شبکه ریلی انجام شد.

وی افزود: جمعی از استادان برجسته دانشگاهی به همراه متخصصان حوزه‌های سازه و مرمت از همکاران راه‌آهن و نیز کارشناسان بخش خصوصی، از چند پل آسیب دیده ریلی در جنگ سوم تحمیلی بازدید کردند و مباحث فنی مورد نیاز در زمینه‌های پایداری سازه، نحوه مرمت، تقویت و افزایش طول عمر خدماتی این پل‌ها به‌طور دقیق مورد بررسی قرار گرفت.مدیرکل مهندسی و نظارت تاسیسات زیربنایی راه‌آهن ادامه داد: در پایان این بازدید، جلسه هم‌اندیشی فنی با حضور اعضای تیم برگزار شد و در آن، راهکارها و چالش‌های مرتبط با بازسازی و مرمت پل‌های مذکور، به‌صورت کارشناسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و چارچوب اولیه طرح نهایی پیشنهادی برای مرمت و بازسازی این پل‌ها تدوین شد.

همزمان با آغاز پروازهای مسافری؛ ۶ فرودگاه کشور عملیاتی شدند

هم اکنون فرودگاه‌های مهرآباد، مشهد، شیراز، زاهدان، گرگان و ارومیه عملیاتی هستند و در فاز بعدی، پرواز از فرودگاه‌های کرمان، یزد و بیرجند آغاز می‌شود.

به گزارش اقتصادسرآمداز روابط‌عمومی شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران؛ با وجود برخی محدودیت‌های فنی و با برنامه‌ریزی‌های انجام شده در شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران، در فاز نخست، پروازهای تجاری از فرودگاه‌های مهرآباد، مشهد، شیراز، زاهدان، گرگان و ارومیه آغاز شد و به تدریج سایر فرودگاه‌های کشور نیز در راستای خدمت‌رسانی به مردم وارد چرخه عملیاتی خواهند شد.رکن اساسی فعالیت صنعت هوانوردی و فرودگاهی برقراری شرایط ایمن و تامین امنیت پروازها در مسیرهای داخلی و بین المللی است، اما با توجه به شرایط و محدودیت‌های موجود و با توجه به فراهم شدن شرایط ایمن در فضای کشور، مرحله به مرحله پروازهای داخلی و بین‌المللی افزایش می‌یابد و فضای شرق کشور نیز شاهد انجام پروازهای عبوری از آسمان ایران خواهد بود.

بر خلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی، دشمن امریکایی - صهیونی در جنگ سوم تحمیلی به تعدادی از فرودگاه‌های کشور آسیب وارد کرد، اما با تلاش و پشتکار متخصصان و مدیران فرودگاه‌ها و با تامین اعتبارات مورد نیاز توسط دولت چهاردهم به تدریج همه فرودگاه‌های کشور وارد چرخه عملیاتی خواهند شد.صنعت حمل ونقل هوایی و فرودگاه‌ها در تسهیل و فعالیت‌های اقتصادی کشورها نقش مهم و بی‌بدیلی بر عهده دارد و با آغاز فعالیت مجدد فرودگاه‌های کشور به تدریج زمینه‌های رونق اقتصادی پساجنگ در کشور فراهم می‌شود.

با تلاش متخصصان و کارشناسان برجسته صنعت هوانوردی از چند روز گذشته تعدادی از پروازها در مسیرهای داخلی از فرودگاه بین‌المللی مهرآباد به فرودگاه‌های مشهد، شیراز، زاهدان، گرگان و ارومیه و بالعکس آغاز شده و طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده در روزهای آینده و در فازهای بعدی شاهد افزایش پروازهای داخلی از مهرآباد به سایر فرودگاه‌های کشور خواهیم بود.

«سرآمد» از «آتش صهیونی-امریکایی برقشم» گزارش می‌دهد؛

جزیره‌ای که سوخت اما خالی نشد!

ایستادگی مردم قشم در جنگ تحمیلی سوم، روایتی که به تاریخ مقاومت هدیه شد

گروه - مرتضی فاخری - در دل خلیج فارس، جایی که نسیم شور دریا با بادهای سوزان سیاسی درمی‌آمیزد، جزیره‌ای قرار دارد که نامش در تاریخ این سرزمین نه به وسعت بازرگانی یا ژئوپلیتیک تنها، که به عمق اراده جمعی مردمانش گره خورده است. قشم، بزرگ‌ترین جزیره خاورمیانه، در آخرین رویارویی نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران، نه به‌مثابه یک نقطه عقب‌نشست یا گلوگاه آسیب‌پذیر، بلکه چون سپری زنده و خروشان ظاهر شد. زمانی که آسمان خلیج فارس از هشدار پهپادها و زمزمه حضور نیروهای زمینی دشمن تیره گشت و بمباران‌های پیوسته هر آن تهدید می‌کرد که زندگی را از ریشه بزدایند، مردم قشم تصمیمی گرفتند که نه از سر ناچاری، بلکه با انگیزه تعلق خاطری ریشه‌دار رقم خورد؛ ماندن. ماندن در برابر کوچ، مقاومت در برابر پراکنده‌شدن، و تبدیل شدن هر خانه، هر اسکله، هر کوچه پس‌کوچه جزیره به سنگری بی‌آلایش اما سخت‌کوب. این تصمیم، در لحظاتی گرفته شد که بسیاری از تحلیلگران نظامی غرب، بر پایه تجربه جنگ‌های پیشین خود در منطقه، پیش‌بینی کرده بودند که جمعیت غیرنظامی به سرعت مناطق درگیر را ترک خواهد کرد، اما قشم خلاف این انتظار عمل کرد و خود به معادله‌ای تازه در محاسبات راهبردی دشمن تبدیل شد.

حملات دشمن اما نقشه دقیقی داشت: فلج کردن شریان‌های حیاتی قشم پیش از هر اقدام زمینی. در این میان، بندر بهمن قشم، به‌عنوان گلوگاه اقتصادی تردد شناورها میان جزیره با سرزمین اصلی و بنادر خارجی، چندین بار هدف بمباران‌های نقطه‌زن قرار گرفت. انبارها و سوله‌های این بندر که محل ذخیره کالاهای تجار و مردم عادی قشم بود، در آتش سوخت و ساختمان اداری بنادر و دریانوردی قشم و همچنین گمرک ایران بر اثر حملات دشمن به طور کامل فرو ریخت. دشمن به درستی دریافته بود که اگر بندر بهمن از کار بیفتد، حلقه اتصال قشم با جهان بیرون گسسته خواهد شد، چراکه این بندر نه تنها نقش تجاری، که نقشی حیاتی در تأمین روزمره جزیره داشت. اما آنچه محاسبات نظامی مهاجمان را ناکام گذاشت، ابتکار عمل برای تردد شناورها و عدم توقف چرخه اقتصادی با هماهنگی سازمان بنادر و دریانوردی و گمرک جمهوری اسلامی ایران بود. سازمان بنادر و دریانوردی با ارائه مجوزهای اضطراری و تسهیل تشریفات ترانزیت برون‌مرزی، و گمرک نیز با عبور هوشمندانه محموله‌ها از مسیرهای جایگزین و ایجاد پنجره‌های گمرکی موقت در بنادر فرعی، زمینه را برای تداوم جریان کالا از بنادر خارجی نظیر خصب و شناص فراهم آوردند. این اقدامات نشان داد که حتی در اوج بحران، ساختارهای مدیریتی کشور توانستند با انعطاف‌پذیری هوشمندانه، خلأ ناشی از تخریب فیزیکی را پر کنند و اجازه ندهند که محاصره اقتصادی جزیره به پیروزی تاکتیکی دشمن بدل شود.

این جزیره در آن روزهای پرالتهاب، دیگر فقط یک قلمرو جغرافیایی نبود؛ به یک روایت زنده از تمدن مقاومت بدل شد. روایتی که بازیگرانش صیادانی بودند که تورهای ماهی‌گیری را کنار نهادند و دوربین‌های دید در شب را جایگزین چشمان خسته از نمک دریا کردند؛ بازاریانی که از پشت پیش‌خوان‌های خود، زنجیره تأمین مایحتاج مقاومت را سازمان دادند؛ جوانانی که نه با اسلحه که با حضور مداوم در معابر، پل‌ها و ایستگاه‌های امداد، سدی انسانی در برابر هراس و آشفتگی ساختند. نسل‌ها در قشم در هم تنیده شدند: پیرانی که خاطره جنگ‌های پیشین را در سینه داشتند، زنانی که بی‌صدا پشت جبهه‌های بی‌مرز آشپزخانه‌ها و درمانگاه‌های موقت را گرم نگه داشتند، و نوجوانانی که با دوچرخه‌هایشان، پیام‌های حیاتی را از غار نمکدان تا ساحل جنوبی جزیره جابه‌جا کردند. این همبستگی میان‌نسلی، که ریشه در فرهنگ شفاهی و پیوندهای خویشاوندی جزیره داشت، نقشی بی‌بدیل در حفظ روحیه جمعی ایفا کرد. زمانی که ترس و ناامیدی می‌توانست سریع‌تر از هر بمبی جامعه را از هم بپاشد، همین شبکه‌های غیررسمی همدلی بودند که اجازه ندادند خلأ روانی ناشی از حملات، به بحرانی فراتر از تخریب فیزیکی تبدیل شود.

اما دشمن تنها به بندر بهمن اکتفا نکرد. تأسیسات صیادی و گردشگری قشم و جزایر پیرامون نیز به طور سیستماتیک هدف قرار گرفتند. جزیره هنگام، که با گله‌های فلامینگو و سواحل مرجانی خود مقصد گردشگران بین‌المللی بود، در چندین نوبت، شلیک‌های هوایی سنگینی را تجربه کرد. تعدادی از تأسیسات ساحلی و اسکله‌های تفریحی هنگام که روزی قایق‌های تفریحی را پهلو می‌دادند، در آتش سوختند. با این حال، مردم هنگام هیچ‌گاه جزیره را ترک نکردند و نشان دادند که جاذبه‌های طبیعی هرچند ارزشمند، اما در برابر حس تعلق به سرزمین، چندان تعیین‌کننده نیستند. در سوی دیگر جزیره قشم، اسکله صیادی دوحه، که یکی از قطب‌های تخلیه ماهی و میگو در خلیج فارس محسوب می‌شد، چندین نوبت موشک‌باران شد. قایق‌ها و لنج‌های صیادی در همان اسکله سوختند و انبار و سردخانه‌های آن، با ذخایر فاسدشدنی ماهی، بر اثر آتش‌سوزی ناشی از بمباران به خاکستر نشست. این ضربات، نه فقط معیشت هزاران خانواده صیاد را نشانه رفته بود، بلکه می‌کوشید هویت تاریخی وابسته به دریا را از مردم جزیره بگیرد، غافل از اینکه این هویت چنان در اعماق فرهنگ آنان ریشه دوانده که با تخریب تأسیسات از میان نمی‌رود، بلکه در قالب راه‌های تازه تری مانند صیادی با قایق‌های کوچک‌تر و همیاری همسایگان بازتولید می‌شود.

اگر جنگ میدان آزمون قدرت سخت‌افزاری دولت‌هاست، پس از فروکش کردن غبار موشک‌ها، آزمونی بس عمیق‌تر در انتظار ملت‌ها قرار می‌گیرد: آزمون انسجام، آزمون تعلق، آزمون این پرسش که آیا می‌توان در میانه ویرانی همچنان شهریاری کرد؟ قشم در این پساجنگِ زخم‌خورده اما نستوه، نشان داد که پاسخ مثبت است. هر چندِ خانه‌ای بی‌سقف نماند که لرزش انفجار را حس نکرده باشد، و هر اسکله‌ای بی‌ترک بر تن داشت، اما آنچه مغز استخوان جزیره را گرم نگه داشت، چیز دیگری بود: درکی نانوشته از «ما» بودن. در این جزیره، کسی منتظر فرمان از مرکز نماند؛ خودِ مردم، در یک حرکت خودجوش و در عین حال هوشمندانه، خط مقدم دفاع از ایران را از خاک خود آغاز کردند. نه به این معنا که جبهه‌ای رسمی گشودند، بلکه بدین معنا که زیستن در دل خطر را به تهدیدی برای دشمن تبدیل کردند. نیروهای مهاجم و تحلیلگران راهبردی آن سوی آب‌ها، سال‌ها بر پایه این فرض برنامه چیده بودند که بمباران‌های گسترده و تهدید به پیاده‌سازی نظامی، هر جمعیت غیرنظامی را وادار به عقب‌نشینی و خروج از منطقه می‌کند. اما قشم این معادله را بر هم زد. خیابان‌هایش خالی از سکنه نشد؛ برعکس، زندگی با ریتمی متفاوت اما مصمم جریان یافت. مغازه‌ها چندان بسته نشدند که به نمادی از تسلیم بدل شوند؛ مساجد تعطیل نشدند که به‌مثابه اعلام شکست تفسیر گردند. هر در بسته، بعد از ساعتی باز می‌شد؛ هر خیابان زخمی، با دستان خاک‌آلود همان ساکنان بازسازی می‌گشت. این رفتار جمعی که در ادبیات جامعه‌شناسی دفاع مدرن از آن با عنوان «تاب‌آوری اجتماع بنیاد» یاد می‌شود، در قشم به نمایشی عملی از نظریه‌هایی بدل گشت که تا پیش از آن بیشتر در کتاب‌های دانشگاهی غرب مطرح بودند.

چیزی که مقاومت قشم را از دیگر نمونه‌های تاریخی دفاع شهری متمایز می‌کند، نبودِ خط مقدم مشخص و در عین حال حاضر بودن همگانی آن است. این همبستگی، ریشه در بافت اجتماعی جزیره داشت: قشم، برخلاف کلان‌شهرهای مدرن، هنوز پیوندهای خویشاوندی و همسایگی را حفظ کرده است. در آن جزیره، هر کس دیگری را می‌شناخت، و به همین دلیل، طرح امداد و نجات بی‌نیاز از سیستم‌های اداری پیچیده عمل می‌کرد. وقتی خانواده‌ای با مشکلی مواجه می‌شد، سی خانواده دیگر در خانه خود را به روی او می‌گشودند. این شبکه غیررسمیِ از همدلی، کارآمدتر از هر سازوکار دولتی از پیش تعیین شده‌ای از آب درآمد. در سطحی وسیع‌تر، رفتار مردمان قشم پیام روشنی به دشمنان داشت: استراتژی «شوک و هیمنه» در برابر جمعیتی که ریشه در خاک دارد، کارایی خود را از دست داده است. آنچه در کتب نظامی غرب تحت عنوان «تاب‌آوری اجتماعی» ثبت شده است، در قشم نه به‌مثابه یک مفهوم آکادمیک، بلکه به‌مثابه عادتی روزانه تجلی یافت. مردمی که در سخت‌ترین شرایط، از برگزاری آیین‌های مذهبی و ملی خود دست نکشیدند، جشن‌های محلی را در ماه مبارک رمضان در لفافه بمباران‌ها برپا کردند، و حتی برای کشته‌شدگان خود، سوگواری را با بازسازی ویرانه‌ها درهم آمیختند. در جزیره هنگام که اقامتگاه‌های گردشگری‌اش خاکستر شده بود، مردم محلی مراسم قایقرانی سنتی را در همان خلیج کوچک و در میان شناورهای سوخته برگزار کردند تا نشان دهند آیین آن‌ها با بمب از میان نمی‌رود. در چنین فضایی، خشم و ترس به انرژی سازنده تبدیل شد. روان‌شناسان اجتماعی وابسته به نهادهای بین‌المللی که پس از کاهش تنش به جزیره وارد شدند، با پدیده‌ای غیرمنتظره روبرو گشتند: شیوع اضطراب پس از سانحه در قشم به مراتب پایین‌تر از مناطق مشابه در دیگر جنگ‌ها بود. دلیل این امر را باید در همان حس تعلق و عاملیت جستجو کرد؛ وقتی مردم احساس می‌کنند سرنوشت خود را در دست دارند، و نه صرفاً طعمه‌ای در برابر ماشین جنگی دشمن، زخم‌های روانی عمیق‌تر اما سریع‌تر بهبود می‌یابند.

اما این مقاومت، بی‌هزینه نبود. قشم زیر آتش ماند، اما «ماندن» قیمتی گزاف داشت. از یک سو، زیرساخت‌های حیاتی جزیره ضربات سنگینی خورد. بندر بهمن قشم به عنوان گلوگاه تردد شناورها، چنان آسیب دید که بازگشت آن به مدار طبیعی ماه‌ها زمان می‌برد. تأسیسات صیادی اسکله دوحه نیز عملاً از کار افتاد و هزاران صیاد جزیره‌ای ماه‌ها بدون منبع درآمد مستقیم ماندند. از سوی دیگر، جامعه قشم شهدایی داد که هر کدام روایتی از ایثار روزمره را رقم زدند؛ نه لزوماً در میدان نبرد رسمی، بلکه در اسکله‌ها و تأسیسات گردشگری که ناگهان به خط آتش بدل شدند. اما آنچه این هزینه‌ها را از سقوط به ورطه یأس نجات داد، باور جمعی به این بود که عقب‌نشینی، خسارتی بزرگ‌تر و ماندگارتر از ویرانی به بار خواهد آورد. در فرهنگ شفاهی قشم، این روزها روایت‌هایی نقل می‌شود از پیرمردانی که پس از فروریختن بخشی از خانه‌شان، با آرامش می‌گفتند: این سنگ‌ها برمی‌گردند جایشان؛ اما اگر برویم، دیگر برنمی‌گردیم. همین منطق ساده و در عین حال سرنوشت‌ساز، عامل اصلی ماندن و ایستادگی بود، منطقی که در آن خانه نه به عنوان مجموعه‌ای از مصالح ساختمانی، که به مثابه تداوم حضور یک نسل بر روی خاک نیاکان معنا می‌شود.

در سطح کلان‌تر، مقاومت مردمی قشم به جزئی از بازدارندگی ملی ایران تبدیل شد. فرماندهان نظامی و تحلیلگران راهبردی، پس از پایان درگیری، بارها اذعان کردند که رفتار مردمان جزیره، معادلات دشمن را در محاسبه بهای اشغال یا نفوذ دستخوش تغییر ساخت. وقتی دشمن می‌بیند که پشت هر دیوار، یک غیرنظامی مسلح به اراده حضور ایستاده است، دیگر نمی‌تواند جنگ را صرفاً با منطق تخریب فیزیکی پیش ببرد. قشم نشان داد که ضریب دفاعی ایران، تنها به سامانه‌های پدافندی و موشک‌های دوربرد محدود نمی‌شود، بلکه لایه‌هایی نرم‌افزاری و انسانی دارد که در هر بحران، به‌طور نامحسوس اما تعیین‌کننده عمل می‌کنند. این لایه‌ها، از جنس سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی، هویت مشترک و تاب‌آوری فرهنگی‌اند؛ عناصری که در کتاب‌های درسی اقتصاد جنگ کمتر به آنها پرداخته می‌شود، اما در عمل، تفاوت میان فروپاشی و ایستادگی را رقم می‌زنند. در واقع، قشم به یک آزمایشگاه زنده برای نظریه‌های نوین دفاع غیرعامل و مقاومت مردمی بدل شد، جایی که مفاهیمی مانند «قدرت سخت» در برابر «اراده جمعی» رنگ می‌بازند و بازدارندگی از انحصار تجهیزات نظامی خارج می‌شود و به خصلتی فرهنگی بدل می‌گردد.

و سرانجام، آنچه قشم را در این آزمون تاریخی سربلند بیرون آورد، نه یک تصمیم آنی بلکه لایه‌لایه شدن تجربه‌ای چندنسلی بود. مردمان این جزیره، از روزگار تسلط پرتغالی‌ها تا جنگ‌های ایران و بریتانیا، و از سال‌های دفاع مقدس تا تحریم‌های اخیر، همواره آموخته‌اند که سرنوشت دریا، به مردمی گره خورده است که بر کرانه‌اش می‌زیند. «بندر بهمن سوخت، اما مسیرهای دریایی ناشناخته‌ای زیر پای دریانوردان گشوده شد. اسکله دوحه قشم ویران گشت، اما ماهی از سفره مردم قشم کم نشد. جزیره هنگام زخم خورد، اما گردشگرانش در میان دود و آتش تنها نماندند». قشم در طوفان اخیر ثابت کرد که حتی اگر بمباران‌ها جزیره را بسوزانند، روح جمعی آن با همان بادهای شور دریا باز زنده می‌شود. این همان پیوند عمیقی است که شاعران در وصف «عشق به خاک» سروده‌اند؛ اما در قشم، این عشق نه در بیت‌هایی شاعرانه، که در ماندن شبانه در کنار دیوارهای ترک‌خورده، و در صبحگاهی که دوباره بازار را باز می‌کند، معنا می‌یابد. به عبارت دیگر، قشم زیر آتش ماند، اما ایستاد؛ زیرا ایستادگی در این جزیره، یک انتخاب تاکتیکی نبود، بلکه یک خصلت وجودی بود. و این، شاید مهم‌ترین روایتی باشد که این جزیره به تاریخ مقاومت ایران و جهان هدیه کرده است: روایتی از زندگی در دل مرگ، از امید در کام یأس، و از مردمی که از خاک خود نتراشیدنی‌ترند. این روایت، فراتر از مرزهای جغرافیایی، به نمادی جهانی از تعلق خاطر و تاب‌آوری بدل می‌شود و نشان می‌دهد که در عصر سلاح‌های هوشمند و راهبردهای پیچیده نظامی، هنوز هم «اراده ماندن» یک ملت، می‌تواند هوشمندانه‌ترین موشک‌ها را خنثی کند.

خبر

بازوند،معاون وزیر راه و شهرسازی خبر داد:

افتتاح ۲۲ کیلومتر از باند دوم محور سنگان-تربت‌حیدریه

سرآمد محور سنگان- تربت حیدریهمدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور در دومین روز از سفر به استان خراسان رضوی از افتتاح رسمی ۲۲ کیلومتر از باند دوم محور سنگان- تربت‌حیدریه خبر داد و گفت: این محور به‌عنوان یکی از مسیرهای راهبردی شرق کشور، نقش مهمی در پشتیبانی از فعالیت‌های معدنی و جابه‌جایی نیروی کار در منطقه سنگان- خواف ایفا می‌کند.

به گزارش اقتصادسرآمد،هوشنگ بازوند در دومین روز از سفر به استان خراسان رضوی و ضمن بازدید از آخرین وضعیت اجرایی زیرساخت‌های حمل و نقل استان، از افتتاح رسمی ۲۲ کیلومتر دیگر از محور سنگان-تربت حیدریه خبر داد و گفت: محور سنگان- خواف- رشتخوار- تربت‌حیدریه به‌عنوان یکی از مسیرهای راهبردی شرق کشور، نقش مهمی در پشتیبانی از فعالیت‌های معدنی و جابه‌جایی نیروی کار در منطقه سنگان خواف ایفا می‌کند و تکمیل تدریجی باند دوم، علاوه بر کاهش ترافیک و سوانح جاده‌ای، می‌تواند به بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل در یکی از مهم‌ترین قطب‌های معدنی کشور منجر شود.وی اظهار کرد: تکمیل راهگذرهای حمل و نقل در استان خراسان رضوی، نه تنها گامی مهم در ارتقای ایمنی سفرهای جاده‌ای، بلکه بستری برای رونق اقتصادی، تسهیل جابه‌جایی کالا و مسافر و توسعه متوازن منطقه‌ای به شمار می‌رود.

بازوند درباره آخرین وضعیت اجرایی این محور اظهار داشت: این پروژه ۱۵۱ کیلومتر است که با احتساب افتتاح امروز، ۶۶ کیلومتر آن زیر عبور قرار گرفته است و عملیات اجرایی در باقیمانده محور با مشارکت شرکت‌ها و مجتمع‌های فولاد منطقه سنگان در حال انجام است.معاون وزیر راه و شهرسازی تکمیل شدن محور سنگان-تربت‌حیدریه را موجب توسعه حمل و نقل به ویژه از معادن سنگان به مرکز و جنوب کشور دانست و ادامه داد: تکمیل محورهای مواصلاتی

استان خراسان رضوی به عنوان یکی از قطب‌های مهم زیارتی، اقتصادی و سیاسی کشور با تمرکز بر بهره‌مندی از معادن سنگ آهن سنگان در دستور کار قرار دارد.